

سرهنگ نورالدین مدرسی چهاردهی

معصوم علیشاه

حاجی نایب‌الصدر فرزند کوچک رحمت علیشاه در سحرگاه روز چهارشنبه چهاردهم ربیع الاول سال ۱۲۷۰ ق در شیراز متولد گردید و تحت تربیت عم‌بدر خود حاجی آقا محمد منورعلیشاه (نجدذوالریاستین مونسعلیشاه) بتحصیل پرداخت و سپس به عراق عرب رفت و علوم اسلامی را فرا گرفت و در زمان اقامت در گناباد دوماه در محضر درس ملاسلطان گنابادی شرکت جست و اغلب بلاد ایران و عراق عرب و عربستان و هندوستان را سیاحت نمود و با هر طایفه آمیزش نمود و در ملل و نحل دستی توانا داشت و سفر نامه مکه خود را بنام تحفة الحرمین که کتاب سودمندی است منتشر ساخت و در ایام اقامت در گناباد کتاب نفیس طرائق الحقایق که از هر جهت بر کتاب بستان السیاحه شیروانی و دیگر کتب تذکره مغمول به صوفیه بهتر است تألیف نمود .

میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی در مکارم الآثار مینویسد از حاج سیداحمد دهکردی شنیدم که میفرمود جلد اول طرائق را در شیراز بخط رحمت علیشاه دیدم و حاجی نایب‌الصدر فرزند رحمت علیشاه تصرفاتی در او کرده است .

اغلب صوفیه را عقیده بر آنست که رحمت‌علیشاه در تمامی عمر خود فقط

یک بیت زیر را سروده است:

نقش کردم رخ زیبای تو- در خانه دل

خانه ویران شد و آن نقش بدیوار بماند
که مراد صورت فکریه است که در قلب مرید تجلی کند که فتح باب
گویند .

امام رحمت علی شاه حواشی بر کتب فقهیه دارد و رساله‌ای در اثبات وحدت وجود و رساله‌ای در سبکینه قلبیه و صدریه و رساله‌ای در ذکر تهلیلی (لا اله الا الله) که رفت و روب و نفی و اثبات و ذکر حمایلی نیز گویند تألیف نموده است و در مورد کتاب طرائق کیوان قزوینی در کتاب بهین سخن که پاسخ دوازده پرسش مرحوم رشید یاسمی و دیگر افاضل عصر است در صفحه ۱۰۰ میفرماید (و این میرزا آقا (مراد نایب‌الصدر است) بعد از طاوس بملاسلطان گروید و پس از چند سال از او برید و خود دعوی قطبیت نمود بحکم ارث پدری نه آنکه منصوب از جانب کسی باشد اما با بودن صفی‌علیشاه قطبیت او مشهور نشد چونکه هر دو در تهران بودند لذا تمکین ظاهری از صفی داشت اما نه بدرجه مریدی وصفی هم احترام بسیار از او داشت اما راهش بریاست و قطبیت نمیداد و می‌گفت (ما هر چه داریم از پدر شما داریم) یعنی تو خود هیچ نداری و پس از مرگش هم ظهیرالدوله را قطب ساخت و نایب خود کرد و اگر او را نایب خود کرده بود نام صفی خوب باقی می‌ماند و حالا بعد از ظهیرالدوله دیگر نامی ندارند چونکه به او برای پسر رحمت علیشاه بودن همه تمکین تام داشتند و شخصاً هم خیلی فاضل و با علم شریعت و طریقت بود دنیا با او مساعدت ننمود و از ناچاری برای معاش (چونکه پرخرج و مسرف بود) داخل مشروطه خواهی و انجمن سازی شد و در طفیان محمد علیشاه که یکسال طول کشید و استبداد سفیر نامیده شد او را خواستند بگیرند و بکشند فرار کرد بشاه عبدالعظیم پناهنده شد پس عفو شد و به شرط خروج از تهران و نفی بلد پس او رفت بکناباد دوباره گروید به ملا سلطان و پذیرفته شد اما چندان مورد اعتنا نبود نگارنده آن وقت در کناباد بود و همه این مطالب را با چشم خود دید و باطن امر را هم فهمید و او پس از

ملا سلطان بنور علیشاه و پس از او بملاحسن هم گروید اما بناچاری بود و اعتقاد قلبی نداشت و معاشش از منصب های دولتی مشروطه می گذشت رئیس اوقاف گناباد بود تا فوت شد بناکامی و این آمدن دوباره او اقبال بلندی برای ملاسلطان شد و ذلت بزرگی برای خود او که اگر نیامده بود میان مشروطه خواهان خیلی محترم میشد و بمناسب عالیہ میرسید و حالا او را بریاست اوقاف گناباد فقط سرگرم نمودند که جزو هیچ بود و از او دو تألیف عالی باقی ماند یکی تحفة الحرمین که سفرنامه مکه رفتن خودش است و دیگر طرائق الحقایق که یکی از تذکره های عرفا است.

این ناچیز که در سال ۱۳۳۸ شمسی در گناباد بسر میبرد در قصه که سه کیلومتری جویمند (مرکز شهرستان گناباد) واقع است منشی حاجی نایب‌الصدر در قید حیات بود نایب‌الصدر بزبان محلی خراسانی نیز اشعاری سروده است و در طرائق از ملاسلطان تمجید نموده و سراج‌الملک را شایسته جانشینی او میداند بعدها نایب‌الصدر خود دعوی قطبیت نمود و عده‌ای از مریدان وی را در آن سامان ملاقات نمود.

صالح علی‌شاه بنکارنده این سطور فرمودند که حاجی نایب‌الصدر بعداً به تألیف کتاب دیگری که دو برابر طرائق بوده دست زد که نسخه منحصر بفرد آن نزد من بود پس مؤلف سرهنگ مهدی‌خان بعنوان امانت جهت مطالعه گرفته و دیگر مسترد نداشت مرحوم صالح علی‌شاه افسوس می‌خوردند و تریف بسیاری از کتاب اخیر الذکر نمودند.

حاجی نایب‌الصدر از همسر اولش که از منسوبین وی بود دو فرزند به نام میرزا محمد حسین و آجودان تقی خان داشت و از عیال دوم که اهل رشت بود سرهنگ مهدی‌خان پا برصه وجود نهاد.

مرحوم نایب‌الصدر تا آخر حیات خویش در گناباد بسر برد و در یکی از اسفار خود که از گناباد بتهران مسافرت نمود آقای حاجی معین سعیدی (شوهر

صبیه ملاءلی نور علیشاه) که هم اکنون در قید حیاتند بجای خویش امور اوقاف گناباد را باوواگذار نمود که از جهت نموداری از خط ایشان فتوکپی این نامه را از نظر خوانندگان گرامی مجله با ارج وحید می‌گذرانند .

